

بررسی نقش دین و فرهنگ در شکل دهی فرم مسکن روستاییان آرامنه آذربایجان غربی (مطالعه موردی: بناهای مسکونی روستای مسیحی نشین سپورغان) (صفحات ۶۱ تا ۸۲)

نیکو بختیاری^۱ * دکتر وحید امینی شالی^۲ * دکتر محمدرضا پورزرگر^۳

پدیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۶

دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۲۰

چکیده

نقدهایی که در دوره کنونی در زمینه روند معماری معاصر وجود دارند عمدتاً تأثیر عوامل بیرونی حوزه ارومیه تنوع قومی و مذهبی گسترده‌ای دارد. اقلیت‌های دینی ارومیه اکثراً آرامنه هستند. از طرفی الگوهای معماری مسکن متنوع، برآیند عوامل گوناگونی است که در یک زمینه تاریخی نسبتاً طولانی ابداع و خلق شده‌اند. از این رو خانه را باید بیش از هر چیزی سازه‌ای اجتماعی - فرهنگی دانست و اگر دین به معنای مطلق عقیده و فرهنگ به معنی مجموعه آثار و نتایج اعمال انسان در نظر گرفته شود، هر فرهنگی نوعی دین است. هدف از این پژوهش، شناخت نظام فضایی و کالبدی خانه‌های مسکونی مسیحیان و تأثیر آن در روند شکل‌گیری پهنه‌های مسکونی روستای سپورغان می‌باشد که بر مبنای روش کلی توصیفی و تحلیلی انجام شده است، زیرا در این تحقیق به توصیف خانه‌های مسکونی روستای سپورغان، علی‌الخصوص واکاوی نظام فضایی و بررسی کالبدی آن‌ها و همچنین به ویژگی‌های بارز این خانه‌ها پرداخته شده است و روش تحلیلی به آن دلیل که به تحلیل و تأثیر آن در روند شکل‌گیری پهنه‌های مسکونی پرداخته شده است. نتایج تحقیق نشان داد که نشانه‌های معماری متمایز بر اساس فرهنگ دینی عبارتند از: ۱- جهت‌گیری بنا، ۲- ستون‌های یونیک، ۳- ارتفاع؛ نشانه‌های تصویری متمایز بر اساس فرهنگ دینی عبارتند از: ۱- نقوش مسیحی همانند صلیب ۲- قوس‌های دلیه‌های؛ نشانه‌های معماری متمایز بر اساس فرهنگ قومی مسیحی: ۱- طرح کلی پلان ۲- اهمیت فضای حیاط ۳- لیوان ستون‌دار، ۴- پله‌های خارج از بنا.

واژگان کلیدی: نقش دین، فرهنگ، فرم مسکن، مسیحی، سپورغان.

۱. گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛ nikoo.bakhtiari@yahoo.com

۲. گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛ (نویسنده مسئول)

vah.shali_aminii@iauctb.ac.ir

۳. گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛ puorzargar.akbar@gmail.com

۱- بیان مسأله

روستا را مردم روستا به وجود آورده‌اند و مانند هر عنصر طبیعی با توجه به پویایی و تغییرات زندگی و عقاید آن‌ها شکل گرفته است. دو عامل اساسی جغرافیا و تاریخ از عوامل تعیین‌کننده نحوه تعامل دو فرهنگ اکثریت و اقلیت در یک خرده‌فرهنگ هستند (Hanson, 2009. Matthew, 2017). از جمله شهرهایی که متأثر از تنوع فرهنگی است، شهر ارومیه است. ارومیه تنوع قومی و مذهبی گسترده‌ای دارد. اکثر مردم این شهر مسلمان‌اند و اقلیت‌هایی از مردم نیز ارمنی و پیرو مذهب مسیحیت‌اند (عطاری، ۱۳۸۱). در دنیای ما به دلیل تکثر در شیوه بیان و سلاقی مختلف در تمامی ادیان الهی و غیر الهی، لزوم دستیابی به زبان مشترک، با رویکرد ارتباط بین اقوام، احساس می‌گردد (Erdoğan, 2016). واکاوی این مشترکات، بر همگرایی مذهبی-قومی این ادیان مؤثر خواهد بود و هنر، مستمسکی مناسب برای ایجاد این زبان مشترک است. از آنجا که هنر و معماری تأثیرپذیری بالایی از ادیان را داشته‌اند و نیز ساختار کالبدی بناهای نیایشی بسیار متأثر از نوع آیین عبادی است که در آن‌ها برگزار می‌گردد؛ بنابراین، تنوع ادیان به تنوع معماری بناهای مقدس و سبک‌های گوناگون معماری- مذهبی منتهی می‌گردد و همچنین وجود عناصر مشابه در معماری ادیان مختلف می‌تواند گویای زبان مشترک در هنر مقدس برای احتراز از تکثر سلاقی، در نتیجه نیل به ایجاد زبان‌های هنری و معماری گوناگون باشد که همگی با هم اشتراکاتی را دارا هستند (زندیه، ۱۳۹۸).

از طرفی الگوهای معماری و مسکن متنوع برآیند عوامل گوناگونی است که در یک زمینه تاریخی نسبتاً طولانی ابداع و خلق شده‌اند. از این رو خانه را باید بیش از هر چیز سازه‌ای اجتماعی - فرهنگی دانست و اگر دین به معنای مطلق عقیده و فرهنگ به معنی مجموعه آثار و نتایج اعمال انسان در نظر گرفته شود هر فرهنگی دینی است (آنتونی گیدنز، ۱۴۰۰). هدف از این پژوهش، شناخت نظام فضایی و کالبدی خانه‌های مسکونی مسیحیان و تأثیر آن در روند شکل‌گیری پهنه‌های مسکونی روستای سوپورغان (ارومیه) می‌باشد. رابطه معماری و مذهب در حوزه مسکن از اهمیت بیشتری برخوردار است، چرا که خانه از جمله فضای ساختمانی است که به صورت ویژه و مستقیم با فرهنگ و مذهب همه اقشار جامعه گره خورده است. این که این ارتباط از چه کانالی و چگونه صورت می‌گیرد، پرسشی است که در هر پژوهش می‌تواند از زاویه متفاوتی مورد بررسی قرار

گیرد، اما نکته حائز اهمیت وجهه‌ای از معماری است که توان ارائه درکی درست از این ارتباط داشته باشد. این وجهه انسانی خلق فضا را می‌توان در مبحث الگوها مشاهده نمود. الگو در بستر اعتقادات دینی و مذهبی رشد می‌یابد و معماری را معنا می‌دهد. براین اساس پرسش اصلی مطرح‌شده در این پژوهش که در جستجوی ارتباط ریشه‌های شکل‌گیری پهنه‌های مسکونی روستای سوپورغان، به عنوان نمونه موردبررسی از روستاهای اقلیت‌های مذهبی نشین ارومیه، با جریانات اعتقادی - مذهبی دین مسیحیت و تبلور کالبدی اندیشه‌های آنان در نظام فضایی و کالبدی خانه‌های مسکونی است.

متأسفانه پژوهش‌هایی معدود در خصوص این موضوع کار شده است. با توجه به تنوع جغرافیایی و فرهنگی موجود در استان آذربایجان غربی، انجام این تحقیق می‌تواند الگوی مناسبی برای پژوهش‌های مشابه در دیگر استان‌ها باشد. در این پژوهش سعی بر آن است تا باهدف ریشه‌یابی اندیشه اعتقادی مذهبی آرامنه و مسیحیت و تأثیر آن‌ها بر شکل‌گیری پهنه‌های مسکونی روستای مسیحی نشین، اصول و شاخصه‌های فضایی و کالبدی معماری خانه‌های مسکونی موردتوجه قرار گیرد و از آنجائی که دلیل اصلی خوانش هر محیطی یادگیری از آن می‌باشد و ساختار معماری به سادگی قابل رؤیت نیست لذا در درون این ساختار نظام نامرئی، آئینی و دینی بر اساس افسانه‌ها، اساطیر، آداب و سنن به شکل تصورات، تخیلات شاعرانه، رؤیاها و کابوس‌ها مستتر است که در این پژوهش سعی بر آن است که ضمن ریشه‌یابی اندیشه‌های اعتقادی مذهبی آرامنه و مسیحیت و تأثیر آن‌ها بر شکل‌گیری پهنه‌های مسکونی، اصول و شاخصه‌های فضایی و کالبدی معماری خانه‌های مسکونی موردتوجه قرار گیرد و به ساختارهای نظام‌مندی که به آن اشاره شد دست یابد. پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این سوال است که نقش دین و فرهنگ در شکل‌دهی فرم مسکن روستاییان آرامنه آذربایجان غربی تا چه اندازه مؤثر بوده است؟

۲. ادبیات پژوهش

۲-۱. ادبیات تجربی

شناخت پژوهش‌هایی که در خصوص عنوان پژوهشی و ارزیابی آن‌ها انجام گرفته و با معیارهای متنوع از ضروریات هر پژوهش می‌باشد. هرچند پیشینه مربوط به بررسی عوامل

بررسی نقش دین و فرهنگ در شکل‌دهی فرم مسکن روستاییان ارمنه آذربایجان غربی

تأثیرگذار در شکل‌گیری فرم مسکن روستایی در استان آذربایجان غربی صورت گرفته، ولی بسیار محدود است؛ به خصوص در زمینه مطالعاتی پژوهش پیش رو، تحقیقی موجود نیست. درعین حال مطالعاتی با هدف بررسی مطالعات انجام گرفته در خصوص عوامل تأثیرگذار بر معماری مسکن روستایی در ایران، انجام یافته که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

اکبری و مولایی (۱۳۹۷) تأثیر وجوه موازی اسلام و مسیحیت بر شکل‌گیری معماری کلیسا و مسجد (با تأکید بر روند تبدیل کلیسا به مسجد در دوران عثمانی) را بررسی کرده‌اند. در این پژوهش، فرضیه علت شکل‌گیری جریان تاریخی تبدیل کلیسا به مسجد را ناشی از حضور وجوه موازی در اندیشه‌های عرفانی و الهیات ادیان اسلام و مسیحیت دانسته و بیانگر اندیشه‌های انعطاف‌پذیر دین اسلام در تأثیرپذیری از الگوهای زیبایی‌شناسانه است. ریشه‌یابی و تطبیق عرفان و الهیات مشترک تأثیرگذار بر معماری بناهای عبادتگاهی اسلام و مسیحیت، با بیان جنبه‌های مؤثر در ایجاد جریان تاریخی تبدیل کلیسا به مسجد، نشانگر انعطاف‌پذیری دین اسلام در مقابل انتخاب بهترین الگوهای موجود برای تأمین نیاز مسلمانان و اجتماع در یک بنای عبادتگاهی بوده است. بنای کلیسا بر مبنای نظام اعتقادی مسیحیان توانسته به مکان مناسبی برای مسلمانان با هدف مشترک تجمع یکتاپرستان برای عبادت پروردگار تبدیل گردد.

شیروانی دستگردی و همکاران (۱۳۹۰) بررسی رابطه متقابل دگرگونی کالبد محلات تاریخی بر هویت اجتماعی ساکنین نمونه موردی: محله تاریخی ارمنه اصفهان (جلفا). این مقاله بر این فرض استوار شده است که تغییر پارامترهای فضایی در محلات تاریخی رابطه مستقیمی با تغییرات کالبدی آن دارد. جلفای اصفهان، از محلات تاریخی منحصربه‌فرد و ارمنی‌نشین با قدمت حدود چهار قرن است که تحت تأثیر طرح‌های توسعه شهری در روند تنزل ارزش‌های تاریخی و اجتماعی خود قرار گرفته است. این پژوهش به دنبال یافتن و بررسی علل این تغییرات فضایی است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که طرح‌های جامع توسعه شهری اصفهان در دوران معاصر که بدون شناخت زمینه و ارزش‌های فرهنگی موجود در بافت‌های تاریخی بر آن‌ها تحمیل گردیده‌اند و همچنین غفلت برنامه‌ریزان شهری در توانمندسازی و تثبیت جایگاه اجتماعی ارمنه سبب ایجاد تغییرات فضایی گسترده‌ای در جلفا گردیده است.

نژاد ابراهیمی و همکاران (۱۳۸۸) تأثیر تغییر مذهب بر تغییر فضاهای مذهبی ارمنه؛ در این پژوهش، نویسنده چنین بیان می‌کند که به‌طور طبیعی هر دین و آئینی، مراسم و بناهای مذهبی خاص خود را دارد و بعد از تغییر دین و مذهب با ایجاد تغییر در کاربری‌های موجود، فضاهای مذهبی قبل آن را برای استفاده در دین جدید آماده و مهیا می‌ساختند. در این مقاله تأکید بیشتر نویسنده بر روی بناهای مذهبی این ادیان بوده است. نرسیسیانس و لوکس (۱۳۸۸) نقش جامعه ایرانیان ارمنی در ظهور معماری مدرن شهر تهران؛ این مقاله در سه بخش ارائه شده است. در بخش نظری به موضوع مدرنیزاسیون و مدرنیزاسیون معماری با معنی کلی آن و مدرنیزاسیون معماری در ایران با معنی خاص آن با تکیه بر ویژگی‌های سیاسی، اجتماعی تاریخی اواخر دوره قاجار تا پایان دوره پهلوی دوم پرداخته شده است. بررسی نقش جامعه ایرانیان ارمنی در فرآیند هنری و فنی هم در این بخش ارائه شده است. قسمت دوم مقاله به تأثیر تحولات سیاسی اجتماعی در معماری پایتخت و در حیطه ابنیه دولتی و خصوصی اختصاص دارد و همچنین چگونگی ایجاد بناهای خصوصی و بافت فرهنگی اجتماعی ساکنان این ابنیه از نظر شکل‌گیری طبقات جدید و پاسخ‌گویی به نیازهای برخاسته از سبک زندگی نوین از منظر انسان‌شناسی، مورد بررسی قرار گرفته است. معرفی چند معمار ارمنی که توانسته‌اند با درک نیازهای خویش دست به خلق آثار معماری به‌عنوان یادگارها و انعکاسی از تحولات فرهنگی روزگار خود بزنند قسمت سوم و پایانی تحلیل ارائه شده در مقاله را تشکیل می‌دهد.

۲-۲. ادبیات نظری

جوامع کوچک و سنتی به لحاظ فرهنگی، هم‌شکل یا تک‌فرهنگی بودند، اما جوامع مدرن به دلیل وجود فرآیندهایی همچون جنگ، مهاجرت، جهانی شدن و غیره به لحاظ فرهنگی تنوع و گوناگونی بیشتری پیدا کرده‌اند و چندفرهنگی شده‌اند؛ بنابراین در این جوامع جمعیت‌های ساکن شهرها متشکل از چندین گروه با پیشینه‌های فرهنگی، قومی و زبانی گوناگون هستند و اجتماعات خرده‌فرهنگی متعددی در همسایگی و مجاورت یکدیگر زندگی می‌کنند که بر یکدیگر در سطوح مادی و غیرمادی فرهنگ تأثیرات متقابل دارند (گیدنز، ۱۴۰۰). مفهوم خرده‌فرهنگ در ساده‌ترین شکل آن بر ارزش‌ها، باورها، نگرش‌ها و سبک زندگی یک زیرگروه اقلیت در جامعه دلالت می‌کند. فرهنگ

این گروه با فرهنگ گروه حاکم اختلاف دارد، هرچند که ممکن است با آن نیز مرتبط باشد. اگرچه اکنون خرده‌فرهنگ عمدتاً تداعی گر فرهنگ‌های جوانان است، اما خرده-فرهنگ را می‌توان در مورد فرهنگ گروه‌های قومی، نژادی، جنسیتی و غیره نیز به کار برد. مفهوم خرده‌فرهنگ از آن جهت اهمیت دارد که امکان به رسمیت شناختن تنوع فرهنگ‌ها را در یک جامعه میسر می‌سازد. می‌توان چنین انگاشت که خرده‌فرهنگ به چانه‌زنی برای به دست آوردن فضایی فرهنگی دست می‌زند. در این فضا می‌توان بر خواست‌های متضاد فرهنگ‌ها تأثیر گذاشت، در مقابل آن مقاومت کرد و گروه می‌تواند هویت خود را در این فضا بیان کند و پیروانند. از این رو رویکرد مبتنی بر خرده‌فرهنگ‌ها قائل به هم‌دلی با موضع خرده‌فرهنگ است و معتقد است که خرده‌فرهنگ‌ها منبع مهم تنوعات و گوناگونی‌های فرهنگی هستند (ادگار، ۱۳۹۷)؛ بر همین مبنا می‌توان خرده‌فرهنگ را شیوه خاص زندگی گروهی از مردم دانست که درون یک فرهنگ بزرگ‌تر قرار دارند. در واقع خرده‌فرهنگ‌ها مشتمل بر روش‌ها، بینش‌ها، ارزش‌ها و شیوه‌های رفتاری است که در درون گروه‌های کوچک از یک جامعه جریان دارد و موجب تفاوت‌های فکری و رفتاری آن‌ها با یکدیگر می‌شود (رنجبر و ستوده، ۱۳۹۹). به تعریفی دیگر خرده‌فرهنگ عبارت است از گروهی که در فرهنگ کلی جامعه سهیم بوده و دارای ارزش‌ها، هنجارها و شیوه‌های زندگی خاص خود می‌باشد (Uchendu, 2014). Eugene, 2014 خرده‌فرهنگ را اشکال غالب فرهنگی درون گروه‌های خاص که از فرهنگ کلی حاکم بر جامعه تجزیه شده‌اند برشمرده شده، تقویت‌کننده فرهنگ غالب نیز به حساب می‌آیند، زیرا هر یک به گونه‌ای درون خود فرایند بازتولید را به انجام می‌رسانند و این فرایندها همواره بدون اشکال نبوده و گاه باعث تبدیل این خرده‌فرهنگ‌ها به ضدفرهنگ می‌شوند؛ اما به صورت کلی خرده‌فرهنگ‌ها کارکردی تکمیلی و تقویت‌کننده نسبت به فرهنگ غالب را دارند. خرده‌فرهنگ‌ها امروزه در بسیاری از کشورها، قابل شناسایی درک و تشخیص هستند. گویش، نوع پوشش و شیوه زندگی تا حدودی متفاوت آن‌ها، این وجه تمایز و تشخیص را به وضوح نشان می‌دهد. براین اساس، خرده‌فرهنگ‌ها بستر اجتماعی و نمادینی را فراهم می‌سازند تا هویت جمعی و عزت‌نفس فردی افراد وابسته به خود را تقویت کنند.

از مهم‌ترین عوامل شناخت هر فرهنگی، شیوه معماری مرسوم در آن فرهنگ است

(lavanya Bala, 2022). ابزاری که از طریق آن می‌توان به تجزیه و تحلیل لایه‌های پیدا و پنهان آن فرهنگ پرداخت تا از آن طریق به کنه روابط معماری با امنیت و آسایش، شرایط اقلیمی طبیعی، ارتباط با محیط‌زیست پیرامون، اقتصاد و در نهایت به بدنه اصلی فرهنگ پی برد (امینی و نوری، ۱۳۹۸). امروزه در قرن بیست و یکم معنا و مفهوم مسکن فراتر از یک محدوده فیزیکی است. در ادبیات سیاسی و نظامی مسکن را معادل سرزمین می‌گیرند و ادعای خود را بر این اساس پایه‌گذاری کرده‌اند که تاخت و تازهای قومی، مذهبی و فرهنگی در اقصی نقاط جهان به منظور کسب فضایی مناسب برای ایجاد مسکن مطلوب انجام گرفته است (بهرامی، ۱۳۹۰: ۹۷)؛ بنابراین معماری حاصل تفکر و روح بشر است؛ محتوای فکری و روحی انسان طراح و سازنده آن در آن نمایان است. انسان روستایی به لحاظ ارتباط مستقیم و دائمی با صنم الهی یعنی طبیعت، انسانی راز آشنا و هنرمند است و معماری خود را با آگاهی نسبت به محیط طبیعی، محیط اجتماعی، محیط فرهنگی و با بصیرت نسبت به هستی و طبیعت طراحی می‌کند و می‌سازد (عباسزاده و بهجت، ۱۳۹۹). معماری روستا محصول خرد جمعی است و خرد جمعی، برخلاف فکر انفرادی هیچ‌وقت اشتباه نمی‌کند (اکرمی، ۱۳۸۹). یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های معماری روستایی توجه به طراحی منطبق با نیازهای فطری مردم و محیط و فعالیت‌های روزمره آنان مانند نوع فضاهای معیشت مردم است (سرتیپی پور، ۱۳۹۰). مصداق‌های خوب این نوع معماری را می‌توان در مسکن بومی مشاهده نمود که عمده‌ترین عنصر تشکیل‌دهنده بافت روستایی است؛ سازمان فضایی و نحوه استقرار و ساخت آن بیانگر کیفیت استفاده از محیط و تأثیر اقتصاد، سنت‌ها و هنجارهای حاکم بر جامعه روستایی می‌باشد (سرتیپی پور، ۱۳۸۴). در همین ارتباط الگوی مسکن روستایی تجلی نیروها و عوامل مؤثر در شکل‌گیری آن‌هاست و از طریق بررسی ویژگی‌های آن‌ها می‌توان به روابط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و همچنین به ارزش‌های فرهنگی، سنن و آداب مردم در زمان برپایی آن‌ها پی برد (Cao et al, 2018). همچنین سازمان فضایی آن‌ها نیز بیانگر کیفیت استفاده از محیط و هنجارهای حاکم بر جامعه روستایی است. اجزا و فضاهای مسکن روستایی که در واقع عناصر آن را مشخص می‌دهند، دارای کارکردهای مختلفی هستند؛ مجموعه این کارکردها تعیین‌کننده نحوه فضابندی و نهایتاً بافت کالبدی مسکن خواهد بود (Gegentana et al, 2020).

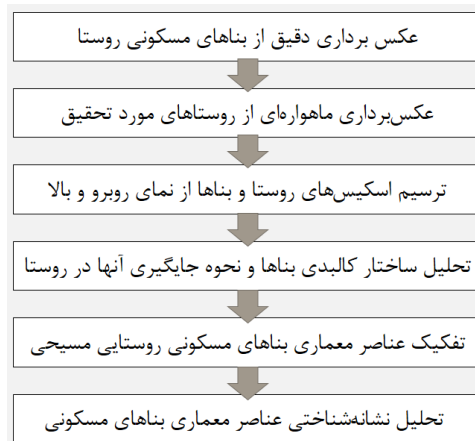
شبکه سکونتگاه‌های روستایی همیشه و همه‌جا از الگوی یکنواخت و همانندی تبعیت نمی‌کند. درواقع، تفاوت‌های موجود از لحاظ ویژگی‌های طبیعی، تاریخی، اقتصادی و سیاسی موجب تنوع و تفاوت در سرزمین‌ها و نواحی به طور عام می‌شود و بدین جهت، طبیعی است که هر یک از شبکه‌های سکونتگاهی، نظم و ترتیب مکانی - فضایی خاص خود را داشته باشد. بافت عمومی سکونتگاه‌های روستایی بیانگر شکل، فرم و الگوی حاصل از تأثیرگذاری عوامل گوناگون در عرصه روستا و نحوه ارتباط و کنش متقابل این عناصر و ویژگی‌هاست (Wang, 2019)؛ بنابراین واحدهای روستایی که نمایانگر ریخت‌شناسی اکولوژیکی، اجتماعی و اقتصادی ناشی از مهندسی تعامل انسان روستایی با زیست‌جغرافیایی سرزمین در قلمروهای روستایی هستند (مرادی اسطخ زیر، ۱۳۹۴). معماری مسکونی در عین برآوردن نیاز مادی انسان به عنوان یک سرپناه منعکس‌کننده باورها و ارزش‌های او نیز می‌باشد. خانه علاوه بر جلوه‌های خارجی دارای مفاهیم و معانی در درون خود است. شاید تصور اینکه عناصر موجود در یک معماری مسکونی فقط نقش عملکردی و فیزیکی دارد، تصور اشتباهی باشد، چرا که انسان موجودی تک‌بعدی نیست و داری بعد معنوی نیز می‌باشد. برای شناخت مفاهیم معماری مسکونی باید شاخص‌های فرهنگی را که این مفاهیم بر مبنای آن شکل گرفته را شناخت. هدف از چنین پژوهش‌هایی در واقع پرداختن به خرده‌فرهنگ‌ها در جوامع و تأثیراتی است که بر جامعه و اطراف خود می‌گذارند؛ خرده‌فرهنگ را شیوه خاص زندگی گروهی از مردم دانست که درون یک فرهنگ بزرگ‌تر قرار دارند. در واقع خرده‌فرهنگ‌ها مشتمل بر روش‌ها، بینش‌ها، ارزش‌ها و شیوه‌های رفتاری است که در درون گروه‌های کوچک از یک جامعه جریان دارد و موجب تفاوت‌های فکری و رفتاری آن‌ها با یکدیگر می‌شود. این گروه کوچک می‌تواند خود در جامعه‌ای دیگر گروه اکثریت باشد. (Keston & Perry, 2020) به طور مثال مسیحیانی که در اصفهان زندگی می‌کنند، یک خرده‌فرهنگ محسوب می‌شوند. این خرده‌فرهنگ محصول ادغام فرهنگ اکثریت (فرهنگ ایرانی - اسلامی) و فرهنگ اقلیت (فرهنگ مسیحی) است.

۳. روش پژوهش

با توجه به روش‌شناسی پژوهش‌ها، این تحقیق در زمره تحقیقات کاربردی قرار می‌گیرد

و از آنجا که به مطالعه و شناخت عوامل تأثیرگذار در شکل‌گیری چیدمان فضایی متمرکز گردیده است، از نوع تحقیق میدانی می‌باشد. همچنین، این پژوهش بر مبنای روش کلی توصیفی و تحلیلی انجام شده است و به روش توصیفی، زیرا در این تحقیق به توصیف و خانه‌های مسکونی آرامنه روستای سپورغان، علی‌الخصوص واکاوی نظام فضایی و بررسی کالبدی آن‌ها و همچنین به ویژگی‌های بارز این خانه‌ها پرداخته شده است و روش تحلیلی به آن دلیل که به تحلیل و تأثیر آن در روند شکل‌گیری پهنه‌های مسکونی روستای سپورغان (ارومیه) پرداخته شده است؛ لازم به ذکر است بناهای مورد مطالعه اواخر دوره قاجار ساخته شده‌اند. از روش توصیفی برای تدوین پرسش‌ها و دریافت‌های حاصل از آن استفاده شد و از روش تحلیلی برای تحلیل اطلاعات حاصل از روش توصیفی استفاده گردید.

قلمرو تحقیق روستای سپورغان از شهرستان ارومیه است که در دوران معاصر یا گذشته خانواده‌های مسیحی در آن‌ها سکونت داشته و اقدام به ساخت خانه‌های با جوه فرهنگی خود نموده‌اند. این بناها ممکن است مربوط به چند دهه قبل و یا گذشته‌های دورتر باشد. با توجه به مشاهدات میدانی این نوع خانه‌ها روستای سپورغان بیشتر از سایر روستاهای مسیحی‌نشین وجود دارد.

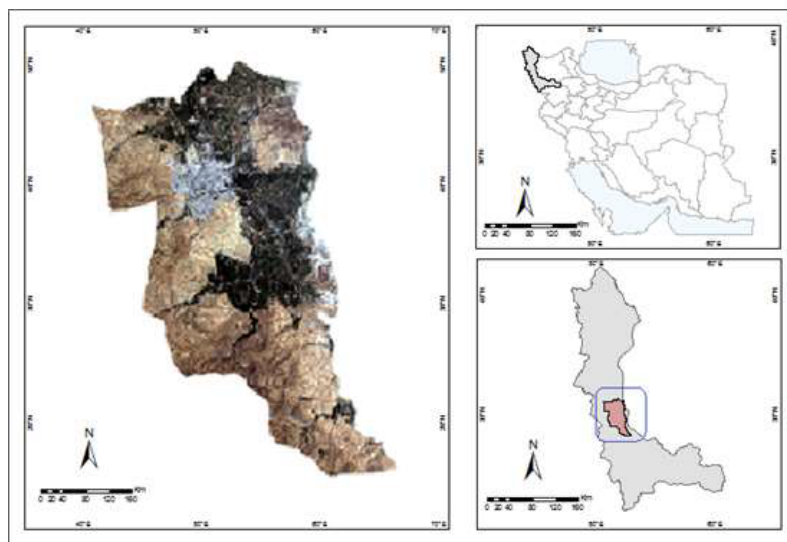


شکل ۱- روند تحقیقات میدانی تحقیق (منبع: نگارندگان)

شناسایی محدوده مورد مطالعه

استان آذربایجان غربی و روستای سپورغان

ارومیه در طول جغرافیایی ۴۵ تا ۴۵.۰۶ و عرض جغرافیایی ۳۷/۳۰ تا ۳۷/۳۹ با ارتفاع ۱۳۶۰ متر از سطح دریا و به فاصله ۱۷ کیلومتر، در سمت غربی دریاچه‌ای به همین نام در جلگه واقع شده است. این جلگه به طول هفت کیلومتر و عرض ۳۰ کیلومتر توسط چندین رودخانه بزرگ و کوچک مشروب می‌شود که از کوه‌های مرزی ایران و ترکیه سرچشمه گرفته و به خاطر شیبی ملایمی که از سمت غرب به شرق وجود دارد، به دریاچه ارومیه می‌ریزند. منطقه شهرستان ارومیه به ۵ بخش مرکزی، انزل، سیلوانا، صومای برادوست و نازلو تقسیم می‌شود. بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ در این ۵ بخش ۱۱۴۷ آبادی و ۲۱ دهستان وجود دارد که روستای سپورغان در شمال شرقی جلگه از توابع بخش نازلو؛ دهستان طلا تپه، به فاصله ۳۰ کیلومتری از شهر ارومیه، ۴ کیلومتری دریاچه ارومیه و نزدیکی کوه زنیل واقع شده‌اند (عباسزاده و بهجت، ۱۳۹۹). تصاویر زیر نمای کاملی از محل این روستا و نحوه جاگیری بناهای مسکونی این روستا را نشان می‌دهد.



شکل ۲- موقعیت بخش نازلو در شهرستان ارومیه و کشور (منبع: نگارندگان)



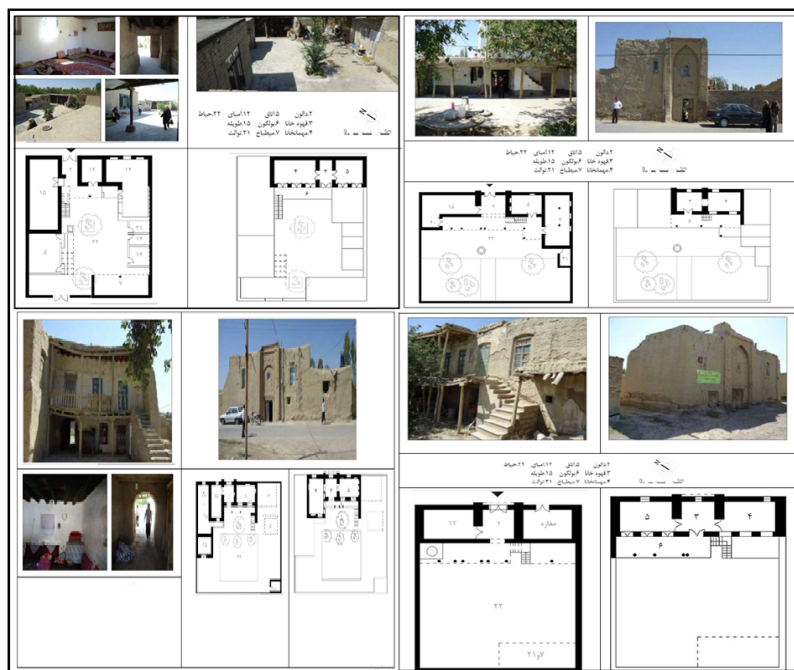
شکل ۳- موقعیت روستای سپورغان (منبع: نگارندگان)

از میان اقوام ایرانی، آشوریان یکی از قدیمی ترین اقوام بوده اند که در آذربایجان و خصوصاً شهرستان ارومیه روستاهای آشوری نشین زیادی وجود داشته که روستای سپورغان نیز یکی از بزرگ ترین و آبادترین روستاهای آشوری نشین شهرستان ارومیه و محال نازلو چای بوده که در حال حاضر بافت جمعیت روستاها تغییرات زیادی داشته به طوری که اکثریت ساکنین فعلی روستاها در حال حاضر ترک ها می باشند. معماری خانه های تاریخی و سنتی روستا منبث از شیوه زندگی روستایی، ویژگی های فرهنگی و اجتماعی غالب بر ساکنین روستا شکل گرفته و به دلیل نوع زندگی جوامع نیازهای مردم روستا در طی دوره های تاریخی بوده است. با توجه به مطالعات صورت گرفته واحد مسکونی در بافت روستا را می توان در دو گروه دسته بندی نمود: واحدهای نوساز که بر

اساس فنون و مصالح جدید ساخته شده‌اند و یا در حال ساخت می‌باشند و همچنین واحدهای مسکونی تاریخی و سنتی که با مصالح بومی بنا شده‌اند. برقراری ارتباط بین برخی رفتارها، آداب و سنن حاکم بر جامعه در نسبت با فضاهای معماری سبب می‌شود تا درک بهتری از واقعیت وجودی فضا داشته باشیم (زرگر و حاتمی خانقاهی، ۱۳۹۳). لذا مطالعه فرهنگ‌های دینی برای شناخت الگوهای رفتاری اقوام و مذاهب گوناگون اهمیت می‌یابد و تأثیر آن بر شکل‌گیری محیط انسان‌ساخت و فضای معماری بسیار مشهود می‌نماید. معماری مقدس مسیحی، زمان را در قالب فضا (مکان) نمودار می‌سازد. بدین معنی که محور کلیسا رو به سوی اعتدال ربیعی دارد و مؤمنان رو به سوی افقی داند که خورشید که مظهر مسیح است، در هنگام عید قیام از آنجا سر می‌زند. این نقطه بنابراین لحظه تسلسلی است و وابسته به گردش زمین و خورشید و لحظه‌ای است از برخورد ابدیت و سراسر تشریفات نیایشی کلیسا با تقسیمات آن به ((شرق)) و ((غرب)) و ((نیمروز)) و ((نیم شب)) نمودار اندازه‌گیری سالانه و موقت است (بورکهارت، ۱۳۹۲). با توجه به بررسی‌های پیشینه تاریخی روستای سپورغان، این روستا آشوری نشین بوده و در سنوات گذشته (نیم‌قرن اخیر) مسلمانان در آن ساکن شده‌اند. با توجه به نقش قبله در شکل‌گیری معماری خانه‌های مسکونی روستا، این مسئله نیز مطرح است که در جهت‌گیری خانه‌های سنتی روستا علاوه بر شرایط اقلیمی حاکم بر منطقه، می‌تواند تحت تأثیر مسائل فرهنگی، اعتقادات و باورهای دینی آشوریان نیز باشد.

۴. تحلیل تجربی

همان‌طور که در بخش‌های قبل اشاره شد، در این پژوهش روستای سپورغان، به عنوان نمونه از روستاهای مسیحی‌نشین در ادوار گذشته انتخاب شده است. اطلاعات ۴ نمونه خانه از این روستا جمع‌آوری و تحلیل شده است که به صورت زیر آورده شده است:



شکل ۵- پلان و نمای تعدادی از خانه‌های قدیمی در روستای سیورغان (منبع: نگارندگان)

اگر بخواهیم بدانیم دین مسیحی به عنوان یک نهاد فرهنگی چه تأثیری در معماری بناهای مسکونی روستاهای مسیحی نشین شهرستان ارومیه داشته است، باید بدانیم کدامیک از عناصر معماری بناهای مذکور جزء نهاد فرهنگی دینی مسیحی می‌شود. پاسخ به این سوال ساده نیست. چرا که اولاً این بناها هم‌زمان با اواخر دوره قاجار ساخته شده‌اند و دوماً مسیحیان شهرستان ارومیه قطعاً برخی از نکات معماری بناهای مسکونی خود را طبق اصول قومی خود بنا گذاشته‌اند نه اصول دینی؛ بنابراین خانه‌های روستایی بر اساس سه فرهنگ درهم تنیده، ساخته شده‌اند:

۱- دین مسیحیت که رمزگان‌های خود را در معماری کلیساهای شهرستان ارومیه نشان می‌دهد.

۲- فرهنگ دوره قاجار که رمزگان‌های خود را خانه‌های مسکونی اواخر دوره قاجار آشکار کرده است.

۳- فرهنگ زندگی صدسال پیش اقوام مسیحی در کشوری مانند ارمنستان. در این پژوهش نه تنها خواهیم دید این سه فرهنگ چگونه در بستر معماری مسکونی مسیحیان درهم تنیده شده‌اند، بلکه همین‌طور نشان داده شده است که فرهنگ‌های مذکور فارغ از مصداق پژوهش حاضر، تأثیرات بسیاری بر یکدیگر گذاشته‌اند. برای قدم گذاشتن در این مسیر ابتدا باید از اهمیت مفهوم «عملکرد» آگاه شد. یک بنای معماری چیزی نیست جز عملکردهای گوناگون که در یک بستر هویتی به اتحاد رسیده‌اند. ایجاد برخی از عملکردها و شیوه هم‌نشینی آن‌ها بر اساس مبانی فرهنگی پایه‌گذاری می‌شوند. پس برای مشاهده نشانه شناختی بناهای مسکونی مسیحیان در روستاهای شهرستان ارومیه ابتدا باید، از کالبد و عملکرد این خانه‌ها آشنایی کافی داشت؛ و سپس به شناخت مجموعه رمزگان عینی فرهنگ‌های سه‌گانه در معماری خاص خودشان پرداخت.

تکوین معماری مسکونی سپورغان

عناصر بناهای مسکونی مسیحی نشین روستای سپورغان در چهار بخش قابل طبقه‌بندی هستند: اول نمای اصلی خانه؛ دوم پلان خانه، سوم نمای پشت. چهارم اجزاء جزئی. در نمای اصلی سردرها اکثراً ساخته شده از آجر همراه با تزئینات و قوس‌های مختلف ظاهر شده‌اند، اما باقی نمای اصلی خانه ظاهری از خشت دارد. تزئینات و نمای اصلی خانه‌های مسیحی این روستا بسیار شبیه به خانه‌های مسکونی دوره اواخر قاجار در نقاط مختلف ایران است. به طور مثال در خانه‌های دوره قاجار نهبندان (روشندل، ۱۳۹۴) تهران (ناصر گیوه‌چی، ۱۳۹۵) ساری (علیزاده گرجی، ۱۳۹۱) فضای ورودی و سردرها تقریباً با همین حالت ایجاد شده‌اند و اگر تمایزهایی وجود دارد به دلیل فضای متفاوت روستا و شهر و همین‌طور شرایط جغرافیایی منطقه آذربایجان است. در تزئینات برخی از خانه‌های مسیحی نشین این منطقه در تزئینات آجری این منطقه نقش صلیب دیده می‌شود که این مورد به موضوع از فرهنگ دینی اقتباس شده است. همین‌طور وجود قوس دایره‌ای بالای درب اصلی خانه از معماری کلیسایی وارد بناهای مسکونی دوره قاجار ایران شد. نکته مهم دیگر وجود انواع قوس در سردرهای ورودی و پیشانی پنجره‌های بناهای مسکونی مسیحی نشین سپورغان است: قوس مربع، قوس پنج و هفت معمولی، قوس جناغی کند، قوس کمانی. (عباس‌زاده، بهجت، ۱۳۹۹) از سوی دیگر ارتفاع بلند این سردرها هم الهام گرفته از ارتفاع بلند سردرهای قاجاری است و هم می‌تواند تحت تأثیر ارتفاع بلند نمای

اصلی کلیساهای این منطقه باشد. کلیسای روستای سپورغان فضای ورودی رفیع دارد. به طور کلی می‌توان گفت نمای اصلی خانه‌های مسکونی مسیحی نشین در قالب کلی از معماری قاجار تأثیر گرفته و در تزئینات و جزئیات نگاهی به عناصر دینی و فرهنگی مسیحیت داشته است.

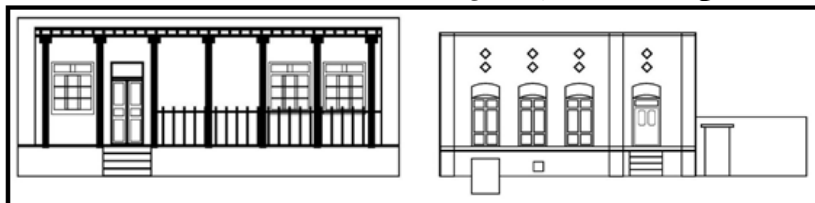


شکل ۶- نمای اصلی سه خانه مسکونی مسیحی نشین سپورغان

درباره پلان خانه‌های روستایی مسیحی نشین این منطقه یک نکته بسیار اساسی وجود دارد. اغلب این خانه‌ها اواخر دوره قاجار توسط مسیحیان ساخته شده‌اند، اما پس از این که اغلب جمعیت اقلیت این منطقه مهاجرت کردند، این منازل توسط مسلمانان خریداری شد. پس از انتقال مالکیت بناها، خریداران اقدام به اضافه کردن بخش‌های مختلف به حیاط خانه کردند. طبیعی است در این پژوهش این بخش‌های اضافه‌شده تحلیل نشده‌اند.

ویژگی مشترک هر سه نوع این است که حدود هشتاد درصد فضا به حیاط اختصاص داده شده، در حالی که در خانه‌های روستایی ایرانی اغلب مواقع دورتا دور حیاط اتاق‌های مختلف ساخته می‌شود تا به حالت چهار ایوانی نزدیک شود. همچنان که خریداران این بناها نیز چنین کرده‌اند. اختصاص فضای بیشتر از معمول به حیاط خانه قطعاً از یک تفاوت فرهنگی قومی ناشی می‌شود و بعید است به مسائل مذهبی این اقلیت مربوط باشد. بخش‌هایی که از همان ابتدا در این خانه وجود داشت عبارتند از: دالان، اتاق، قهوه‌خانه، طویله، آشپزخانه، ایوان و حیاط. اکثر مواقع سرویس‌های بهداشتی در ضلع جنوبی بنا و دور از بخش مسکونی قرار داده می‌شد.

اگر به نمای پشت خانه‌های سپورغان توجه کنیم، تقریباً در تمامی موارد ایوان یا بالکن با ستون‌های چوبی دیده می‌شود. این ایوان‌ها به دلیل وجود پله‌هایی در حیاط واصل میان طبقه همکف و اول هم بودند، اما نکته مهم در استفاده این چینی از ایوان است. با توجه به گفتگوهای انجام شده با اهالی مسن روستا و تصاویری که از خانه‌های روستا دیده شد، ایوان یا بالکن با این وسعت دید، مهم‌ترین عنصر معماری مسیحی است که در اواخر دوره قاجار وارد معماری خانه‌های روستایی شد و به مرور مسلمانان نیز از آن بهره بردند. دلیل اصلی عدم استفاده مسلمانان از چنین تمهیدی مسائل دینی و اعتقاد به پنهان نگه داشتن حریم خصوصی اهل خانه از دیگران بود، اما مسیحیان به خاطر باور متفاوت، از ایوان نه در شکل درونگراییه بلکه به شکل برونگراییه استفاده کردند. پس می‌توان گفت پلان خانه‌های روستایی مسیحی نشین سپورغان به صورت توأمان از نیازهای ذاتی روستا و الگوی قومی مسیحیان نشئت گرفته است و مهم‌ترین عنصر آن به صورت اساسی تفاوت ایجاد کرده نقش محوری ایوان است.



شکل ۷- طراحی از نمای پشت خانه‌های مسیحیان سپورغان

در اجزاء معماری بناهای مذکور چند عنصر جلب توجه می‌کنند: اول ستون‌هایی با سرستون یونیک. سرستون یونیک از دوران باستان در معماری غرب حضور داشت و به سبب روش ساده‌ای که برای طراحی و ساخت آن وجود دارد بسیار رایج است. در خانه‌های این روستا بیشتر تلاش شده تقلیدی خام از این سرستون صورت بگیرد اما آنچه قطعی است تأثیرپذیری از عنصر معماری دینی و تکرار آن در منزل است. عنصر بعدی که بسیار مهم است پله‌هایی است به نوعی خارج از معماری کل بنا، از کف زمین تا طبقه اول بالا رفته‌اند. به راحتی می‌توان این پله‌ها را از بنای کلی حذف کرد؛ اما تنها راه رسیدن به طبقه اول همین است. در واقع کارکردی در معماری بنا ندارند و تنها ابزار محسوب می‌شوند.



شکل ۱۰- ستون خانه روستایی (راست) و ستون کلیسای سپورغان (چپ) (منبع: نگارندگان)



شکل ۸- پله خانه‌های سپورغان (منبع: نگارندگان)

بررسی نقش دین و فرهنگ در شکل‌دهی فرم مسکن روستاییان ارومیه آذربایجان غربی

جدول ۱: نحوه تأثیر فرهنگ‌های دینی، قومی و ملی در بناهای مسکونی روستاهای مسیحی نشین ارومیه (منبع: نگارندگان)

نقش فرهنگ قومی	نقش فرهنگ دینی	نقش فرهنگ ملی
ایوان ستون‌دار	ستون یونیک	فضای ورودی و سردر
پلان	ارتفاع	مصالح
فضای گسترده برای حیاط	تزئینات نما	دالان
پله‌های بیرونی	قوس دایره‌ای	الگوی توالی بخش‌ها
	جهت بناها	

جدول ۲- تمایزهای معماری خانه‌های مسیحیان با مسلمانان (منبع: نگارندگان)

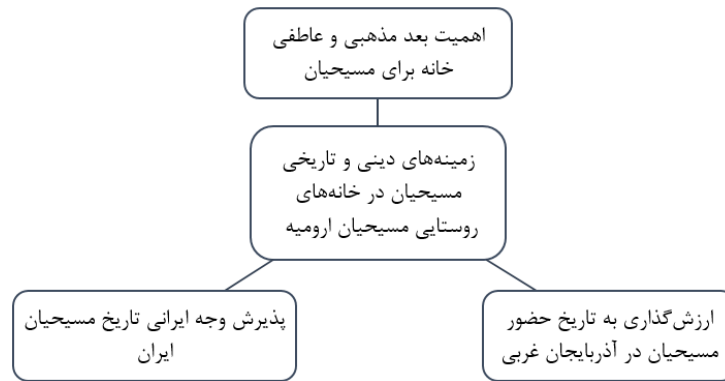
عنصر معماری	خانه‌های مسیحیان	خانه‌های مسلمانان
ورودی	با ارتفاع بلند و عرض زیاد	ارتفاع کم
سردر	سردر خانه‌های مسکونی شهری دوره قاجار	فاقد سردر
تزئینات سردر	تزئینات چلیپایی و نقوش مسیحی	فاقد تزئینات
پلان	پلان اقوام مسیحی منطقه	پلان روستایی شمال غرب ایران
الگو	الگوی یکسان	الگوی یکسان
مصالح	سنگ چوب خشت آجر	خشت آجر چوب
ستون	ستون یونیک چوبی	بدون سرستون
ایوان	ایوان ستون‌دار در نمای پشت	بدون ایوان
جهت	هم‌جهت با کلیسا	بی‌اهمیتی جهت بنا

۵. نتیجه‌گیری

میراث معماری مسکونی روستایی از جمله غنی‌ترین آثار برجای‌مانده از گذشتگان می‌باشد که به واسطه کم‌توجهی به این مهم در حال نابودی است. جلگه ارومیه به واسطه شرایط طبیعی از هزاران سال گذشته مسکون بوده و ساختار فضایی - کالبدی روستاهای واقع در آن نشان از اهمیت و غنای فرهنگی است. روستای سپورغان یکی از باارزش‌ترین روستاهای شهرستان ارومیه دارای نمونه‌های متعددی از خانه‌های تاریخی و سنتی است که در پژوهش حاضر مورد مذاقه قرار گرفته است. حاصل مطالعات حاکی از آن است که خانه‌های تاریخی و سنتی به لحاظ وسعت، شکل، فرم، سازمان فضایی و همچنین

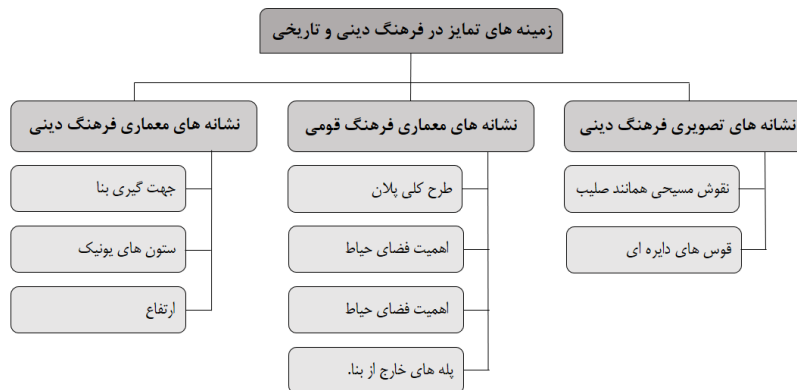
نحوه استقرار از الگویی مشخص پیروی می‌کند. در جهت‌گیری و استقرار نمونه‌های موجود علاوه بر شرایط طبیعی و اقلیمی جلگه؛ سنت‌های محلی، باورهای دینی و مقتضیات اقتصادی نیز تأثیر محسوسی داشته است. مسیحیان از بدو ورود به منطقه شمال غرب ایران، ساخت بناهای مسکونی و مذهبی را آغاز کرده‌اند؛ اما در هر دوره‌ای تا حدود زیادی تحت تأثیر معماری ایران بودند. به طور مثال در دوره صفویه، خانه‌ها و کلیساهای مسیحیان اصفهان، تحت تأثیر سبک اصفهان بود. همین رویه در مورد بناهای مسکونی روستایی مسیحیان ارومیه هم صادق است. می‌توان زمینه‌های دینی و تاریخی خانه‌های روستایی مسیحیان ارومیه را بدین شیوه طبقه‌بندی کرد: ۱- اهمیت بعد مذهبی و عاطفی خانه برای مسیحیان: اهمیت بعد مذهبی و عاطفی به احتمال زیاد به دلیل غلبه جریان پروتستانیسیم در میان مسیحیان ایران است. در این بینش هر خانه می‌تواند به یک کلیسا بدل شود. از همین رو خانه‌ها اهمیت مذهبی پیدا کردند و تقریباً در تمامی موارد خانه‌های روستاهای سپورغان بزرگ هم‌جهت با کلیساها ساخته شده‌اند. به عبارت بهتر با در نظر گرفتن شرایط ذکر شده و مقایسه آن با نظام استقرار خانه‌های تاریخی و سنتی در روستاهای ارومیه مشخص است که این نوع استقرار و سمت‌گیری صرفاً متناسب با شرایط اقلیمی نبوده و می‌تواند در ارتباط با باورهای دینی آشوریان و فرهنگ آن‌ها باشد. ۲- ارزش‌گذاری به تاریخ حضور مسیحیان در آذربایجان غربی: بناهای مسکونی و مذهبی مسیحیان روستاهای سپورغان، در دوره قاجار و اوایل پهلوی ساخته شده‌اند، اما به لحاظ برخورداری از برخی مصالح همانند سنگ و همین‌طور استفاده از پلان T شکل وفاداری خود را نسبت به ریشه‌های تاریخی معماری مسیحی نشان داده‌اند. در واقع زمینه‌های تاریخی با اینکه خودشان در کمترین سطح ممکن بروز کرده‌اند، اما حضورشان کاملاً محسوس است. ۳- پذیرش وجه ایرانی تاریخ مسیحیان ایران: مسیحیانی که در ایران زندگی کرده‌اند، سابقه‌ای دوهزارساله دارند؛ یعنی با وجود اینکه همواره در اقلیت بودند، اما در بطن هویت ایشان، فرهنگ ایرانی نیز وجود دارد. نمی‌توان مسیحی ایرانی را با مسیحی اروپایی به لحاظ فرهنگی یکسان دانست. تفاوت‌هایی که بین این دو گروه وجود دارد، محصول هم‌نشینی مستمر مسیحیان ایران با فرهنگی ایرانی اسلامی است. بناهای مسکونی روستاهای سپورغان در موارد زیادی هویت ایرانی خود را نیز نشان داده‌اند.

بررسی نقش دین و فرهنگ در شکل‌دهی فرم مسکن روستاییان ارمنه آذربایجان غربی



شکل ۱۲- زمینه‌های دینی و تاریخی مسیحیان در خانه‌های روستایی مسیحی نشین سپورغان ارومیه (منبع: نگارندگان)

زمانی که صحبت از فرهنگ دینی می‌شود، منظور نشانه‌هایی است که با دین و بناهای دینی در ارتباط هستند و وقتی حرف از فرهنگ تاریخی می‌شود، منظور نشانه‌هایی است که با قوم مسیحی مرتبط می‌شوند. پس برای فهم نشانه‌هایی که به دلیل تمایزهای دینی و تاریخی به وجود آمده، باید بناهای مذهبی مسیحیان را در شهرستان ارومیه مطالعه کرد. بنا به نتایج پژوهش نشانه‌های معماری متمایز بر اساس فرهنگ دینی را می‌توان بر طبق نمودار ۲ طبقه‌بندی کرد.



شکل ۱۳- زمینه‌های تمایز در فرهنگ دینی و تاریخی (منبع: نگارندگان)

منابع

- ادگار اندرو، سجویک پیتر (۱۳۹۷). مفاهیم بنیادی نظریه فرهنگی، ترجمه مهران مهاجر و محمد نبوی، تهران: آگه.
- اکرمی، غلامرضا (۱۳۸۹). رازهای معماری روستایی، مسکن و محیط روستا، دوره ۲۹، شماره ۱۳۱: ۲۷-۵۰.
- بهرامی، رحمت‌الله (۱۳۹۰). تحلیلی بر وضعیت مسکن روستایی در استان کرمانشاه. مسکن و محیط روستا، دوره ۳۰، شماره ۱۳۴: ۹۵-۱۰۴.
- بورکھات، تیتوس (۱۳۹۲). هنر اسلامی زبان و بیان، ترجمه مسعود رجب نیا، چاپ دوم، تهران: سروش.
- روشندل، زهرا (۱۳۹۴). بازشناسی تاریخ معماری نهبندان در دوره قاجار با تکیه بر پژوهش باستان‌شناختی خانه‌های تاریخی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بیرجند، دانشکده هنر.
- عباس زاده، مظفر؛ بهجت، حمید (۱۳۹۹). واکاوی ساختار معماری خانه‌های تاریخی و سنتی روستای سپورغان شهرستان ارومیه، مسکن و محیط روستا، دوره ۳۹، شماره ۱۷۰۶۷-۸۲.
- عزیززاده گرجی، مریم (۱۳۹۱). جستجوی رابطه معماری و زندگی در خانه‌های قاجاری ساری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان.
- گیدنز، آنتونی (۱۴۰۰). جامعه‌شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نی.
- ناصرگیوه چی، لیلا (۱۳۹۵). بررسی عناصر هویت‌ساز در معماری فضا‌های مسکونی شهر تهران، دوره قاجار تا امروز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه البرز.
- ستوده، هدایت‌الله؛ رنجبر، محمود (۱۳۹۹). انسان‌شناسی اجتماعی و فرهنگی (مردم‌شناسی) با تأکید بر فرهنگ مردم ایران تهران: ندای آریانا.
- زندیه، مهدی (۱۳۹۸). تأثیر دین بر گسترش معماری در ایران و جهان، پژوهش‌های علم و دین، دوره ۱۰، شماره ۱: ۱۸۷-۲۰۳.
- امینی، کوروش؛ نوری، رونما (۱۳۹۸). شاخصه‌های بومی و فرهنگی؛ نمودار ساختاری ویژه در معماری هورامان. هنر و تمدن شرق، دوره ۷، شماره ۲۵: ۱۵-۲۶.
- سرتیپی پور، محسن (۱۳۸۴). شاخص‌های معماری مسکن روستایی در ایران،

هنرهای زیبا، شماره ۲۲: ۴۳-۵۲.

- سرتیپی پور، محسن (۱۳۹۰). پدیدارشناسی مسکن روستایی، مسکن و محیط روستایی، دوره ۳۰، شماره ۱۳۳: ۳-۱۴.
- زرگر، اکبر؛ حاتمی خانقاهی، توحید (۱۳۹۳). وجوه مؤثر بر طراحی مسکن روستایی، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۲۸: ۴۵-۶۲.
- Hanson, J. (2009). *Decoding homes and houses*: Cambridge University Press.
- Matthew Holt (2017) *Semiotics and design: Towards an aesthetics of the artificial*, *The Design Journal*, 20:sup1, S332-S34.
- Keston K. P. (2020). *Structuralism and Human Development: A Seamless Marriage? An Assessment of Poverty, Production and Environmental Challenges in CARICOM Countries*, *International Journal of Political Economy*, 49(3), 222-242.
- Uchendu, E. (2014). *Repositioning culture for development: women and development in a Nigerian rural community*. *Community, Work & Family*. 18 (3): 334-350.
- Erdoğan, N. (2016). *Investigating the relationship between culture and traditional housing architecture in Urfa, Turkey*, Source: *Journal of Architectural and Planning Research*, (33)4. 309-325, <https://www.jstor.org/stable/44987208>.
- lavanya, B. S. (2022). *Culture influencing Rural and Urban Housing*, *Seminar*, 4(7), 21-A.Y. 1-9.
- Gegentana, Di, L. G., Hu, T. H., Hu, X. Q., & Yin, Y. J. (2020). *Spatial Characteristics of Traditional Villages under the Influence of Religious Beliefs: The Case of Datun Village, China*. *Current Urban Studies*, 8, 156-165.
- Cao, L., Cao, M. Y., & Yang, Y. (2018). *An Overview of the Research on the Protection and Development Planning of Traditional Villages in China*. *Chizhou College Journal*, 32, 22-28.
- Wang, L. (2019). *A Study on the Spatial Pattern of Traditional Villages in Central Henan under the Influence of Folk Belief Culture*. Zhengzhou: Zhengzhou University.